



تأثیرپذیری شعر «دریچه‌ها»، سروده مهدی اخوان ثالث، از داستان کوتاه «آینه شکسته»، اثر صادق هدایت

فرهاد طهماسبی^۱

چکیده

تأثیرپذیری آثار ادبی از یکدیگر، موضوعی بدیهی و دیرپا است که در ادوار مختلف ادبیات فارسی، از جمله دوره معاصر، نیز مصادیق متعدد دارد. صادق هدایت (۱۲۸۱ - ۱۳۳۰ ش)، نویسنده‌ای مبدع و از بنیان‌گذاران اصلی ادبیات داستانی معاصر ایران است. آثار برجسته و خلاقانه متعددی که این نویسنده، به وجود آورده است، سبب شده تا صادق هدایت، از آغاز تا کنون، الگویی شاخص برای سایر نویسندگان ایرانی باشد. البته، به نظر می‌رسد که حوزه شعر فارسی معاصر نیز، خالی از تأثیرپذیری از این نویسنده، نبوده است. در این پژوهش که روشی توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌هایش برگرفته از اسناد و منابع کتابخانه‌ای است، تأثیرپذیری شعر «دریچه‌ها»ی مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷ - ۱۳۶۹)، شاعر نامور معاصر، از داستان کوتاه «آینه شکسته»، نوشته صادق هدایت، مورد بررسی قرار گرفته است. دستاورد پژوهش گویای آن است که مهدی اخوان ثالث، نسبت به آثار صادق هدایت و جهان‌بینی او، آشنایی و آگاهی درخور توجه‌ای داشته است. از این نظر، تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث، در خلق شعر دریچه‌ها، از داستان کوتاه آینه شکسته، از صادق هدایت، دور از نظر نیست. علاوه بر این، اشتراکات متعددی که شعر دریچه‌ها با داستان کوتاه آینه شکسته دارد، دلیلی روشن، بر اثرپذیری مهدی اخوان ثالث از صادق هدایت، در این زمینه است.

کلیدواژه‌ها

صادق هدایت، مهدی اخوان ثالث، داستان کوتاه «آینه شکسته»، شعر «دریچه‌ها»، تأثیرپذیری آثار ادبی از یکدیگر.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

رایانامه: Thmasbyfrhad455@gmail.com

۱. مقدمه

صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰)، از اندیشمندان و نویسندگان برجسته ایرانی در دوره معاصر است که شهرت جهانی دارد. این اندیشمند و نویسنده به نام، در عرصه‌های گوناگون ادبی فعالیت داشته و در هر عرصه، آثاری متعدد و شایان، پدید آورده است. مهم‌ترین حوزه‌ای که صادق هدایت به آن اشتغال داشته، داستان‌نویسی است که اغلب او را به اعتبار همین حوزه می‌شناسند (نک: شریفی، ۱۳۸۷: جلد ۲: ۱۴۸۳). صادق هدایت، در قلمرو نمایشنامه‌نویسی نیز طبع آزمایی کرده است و دو نمایشنامه تاریخی «پروین دختر ساسان» (۱۳۰۹) و «مازیار» (۱۳۱۲)، و هم یک نمایشنامه خیمه‌شب‌بازی با عنوان «فسانه آفرینش» (۱۳۰۹)، از او بر جای مانده است. نیز، این نویسنده، دو سفرنامه با نام‌های «صفهان نصف جهان» (۱۳۱۱) و «روی جاده نمناک» (۱۳۱۴)، نوشته است که البته دومی را خود از میان برده است (آرین‌پور، ۱۳۸۷: جلد ۳: ۳۸۰-۳۸۲). طنزپردازی از دیگر ساحت‌هایی است که صادق هدایت در آن استعدادی کم‌نظیر داشته است. این نویسنده، علاوه بر آن که در آثار داستانی خود، از شگردهای طنزپردازی گوناگونی بهره برده است، آثاری مستقل در این زمینه پدید آورده است که «وغوغ صاحب» (با همکاری مسعود فرزاد) (۱۳۱۳) و «هولنگاری» (۱۳۲۳)، از آن جمله است (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۸۹-۹۰).

از دیگر حوزه‌هایی که گواه توانمندی‌های صادق هدایت و شخصیت ادبی چندبُعدی اوست، ترجمه است. در این زمینه، باید گفت که صادق هدایت به سبب آشنایی با زبان پهلوی، متونی متعدد را از این زبان، به فارسی امروزی بازگردانده است که از آن‌ها، «گجستک/بالیش» (۱۳۱۸)، «کارنامه/اردشیر بابکان» (۱۳۲۲)، «گزارش گمان‌شکن» (۱۳۲۲)، «زند و هومن یسن» (۱۳۲۳)، و... قابل ذکر است (یا حقی، ۱۳۹۱: ۲۳۸). صادق هدایت همچنین، آثاری از ادبیات اروپایی را به فارسی ترجمه کرده است. «تمشک تیغ‌دار» (از آنتوان چخوف^۱ ۱۹۰۴-۱۸۶۰) (۱۳۱۰)، «مسخ» (از فرانتس کافکا^۲ ۱۹۲۴-۱۸۸۳) (۱۳۲۲)، «دیوار» (اثر ژان پل سارتر^۳ ۱۹۸۰-۱۹۰۵) (۱۳۲۴)، و... نمونه‌هایی از این دست ترجمه‌های صادق هدایت است (صبور، ۱۳۸۷: ۶۴۶).

ناگفته نماند که صادق هدایت فعالیت‌های علمی پژوهشی نیز داشته است که حاصل آن آثاری درخور توجه، در چند حوزه بوده است. از مهم‌ترین آن‌ها، دو اثر ارزشمند در زمینه فرهنگ عوام،

1. Anton Pavlovich Chekhov
2. Franz Kafka
3. Jean Paul Sartre

«وُسانه» (۱۳۱۰)، و «هیرنگستان» (۱۳۱۲)، و یک اثر تحقیقی مهم در زمینهٔ خیام‌شناسی، «ترانه‌های خیام» (۱۳۱۳)، قابل ذکر است (آرین‌پور، ۱۳۸۷: جلد ۳: ۳۶۴- ۳۷۱ و ۳۷۸- ۳۸۰). آثار داستانی صادق هدایت، در سه قالب رمان، داستان بلند و داستان کوتاه، نوشته شده است. رمان‌های صادق هدایت «بوف کور» (۱۳۱۵)، و «حاجی آقا» (۱۳۲۴)، است، که مایهٔ اصلی شهرت داستان‌نویسی او، مورد نخست است. «علویه خانم» (۱۳۲۳)، تنها داستان بلند صادق هدایت است (شریفی، ۱۳۸۷: جلد ۲: ۱۴۸۳). در زمینهٔ داستان کوتاه هم، اگر چه پیشگام این عرصه سید محمدعلی جمال‌زاده (۱۲۷۰- ۱۳۷۶) است؛ اما باید نمود اصلی این گونهٔ ادبی را در ادبیات فارسی، در داستان‌های کوتاه صادق هدایت دانست (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۸۶). او در این راستا، چهار مجموعه داستان با نام‌های «زنده به گور» (۱۳۰۹)، «سه قطره خون» (۱۳۱۱)، «سایه روشن» (۱۳۱۲)، و «سگ ولگرد» (۱۳۲۱) خلق کرده است (صبور، ۱۳۸۷: ۶۴۶). مجموعه داستان سه قطره خون، از بهترین و زیباترین مجموعه داستان‌های صادق هدایت به حساب می‌آید. این اثر، ۱۱ داستان کوتاه دارد که چهارمین آن‌ها، داستانی با عنوان «آیینه شکسته» است. این داستان کوتاه که در شمار آثار اولیهٔ صادق هدایت است، در حد یک قصهٔ نقلی رمانتیک و باب روز است که نمی‌توان آن را از نظر هنری و ارزش ادبی، هم‌سنگ برخی از داستان‌های کوتاه ماندگار صادق هدایت دانست (نک: میرعابدینی، ۱۳۹۲: ۵۳۷). اما آن چه که موجب شکل‌گیری پژوهش کنونی شده است، شباهتی است که میان این داستان کوتاه صادق هدایت و شعر «دریچه‌ها»، از مهدی اخوان ثالث، دیده می‌شود که می‌تواند نشانگر تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث، از صادق هدایت در این زمینه، و توجه ویژهٔ شاعری بزرگ، چون مهدی اخوان ثالث، به آثار صادق هدایت باشد.

۱-۱. بیان مسئله

در هر دوره، برخی از متون ادبی، متأثر از متون دیگر پدید می‌آید. این مهم، در ادبیات فارسی نیز از دیرباز رواج داشته است و آثار منظوم و منثور متعددی، با الگوبرداری و تأثیرپذیری از متون دیگر ادب فارسی، خلق شده است. در دورهٔ معاصر ادبیات فارسی نیز، موضوع تأثیرپذیری و الهام از دیگر آثار ادبی، به تعدد صورت گرفته است. صادق هدایت، در مقام یک نویسندهٔ پایه‌پرداز و بنیان‌گذار، در نثر داستانی معاصر ایران، پیوسته، مرجعی اصیل و معتبر، برای داستان‌نویسان ایرانی بوده است. البته چنین می‌نماید که این ویژگی صادق هدایت، به حوزهٔ نثر فارسی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این نویسنده بر شعر معاصر فارسی نیز، تا حدودی تأثیر گذاشته است. پژوهش کنونی در راستای چنین فرضیه‌ای، بر آن است تا تأثیرپذیری شعر «دریچه‌ها»ی مهدی اخوان

ثالث، از داستان کوتاه «آینه شکسته» صادق هدایت را بررسی کند. بنابراین، پرسش پژوهش آن است که:

۱. آیا مهدی اخوان ثالث، در سرایش شعر دریچه‌ها، متأثر از داستان آینه شکسته، از صادق هدایت بوده است؟

۲-۱. روش پژوهش

داده‌های مورد نیاز در این پژوهش، از طریق جست‌وجو در اسناد و منابع کتابخانه‌ای تأمین و پس از آن توصیف و تحلیل شده است. جامعه آماری این پژوهش، داستان کوتاه «آینه شکسته»، اثر صادق هدایت و شعر «دریچه‌ها»، اثر مهدی اخوان ثالث است. در این زمینه، از کتاب «سه قطره خون» (۲۵۳۶) (چاپ دوم: نشر جاویدان)، اثر صادق هدایت، که حاوی داستان آینه شکسته و ۱۰ داستان کوتاه دیگر است، استفاده شده است. نیز، مبنای دسترسی به شعر دریچه‌ها، کتاب «شعر زمان ما ۲ (اخوان ثالث)» (۱۳۹۶) (چاپ هفدهم: نشر نگاه) است. این کتاب دربردارندهٔ نخبهٔ شعرهای مهدی اخوان ثالث است و محمد حقوقی آن را تدوین کرده است. نمونهٔ آماری پژوهش، تمام متن داستان کوتاه آینه شکسته و شعر دریچه‌ها است. رویکرد پژوهش تطبیقی است و در آن تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث در آفرینش شعر دریچه‌ها، از داستان کوتاه آینه شکسته صادق هدایت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

تأثیرگذاری صادق هدایت در ادبیات داستانی معاصر ایران و جریان‌سازی در آن، امری روشن و غیر قابل انکار است. در این زمینه، در قالب پژوهش‌های گوناگون، به تفصیل سخن رفته است. اما آنچه که به نظر می‌رسد کمتر بدان پرداخته شده است، الهام‌بخشی صادق هدایت در عرصهٔ شعر معاصر فارسی است. پژوهش کنونی که در این راستا شکل گرفته است، از آن جهت اهمیت دارد که با بررسی تأثیرگذاری داستانی کوتاه از صادق هدایت، بر شعری کوتاه، از مهدی اخوان ثالث، شاعر نامدار معاصر، می‌تواند بخشی کوتاه از نفوذ و سیطرهٔ آثار و اندیشه‌های صادق هدایت را بر شعر معاصر فارسی نشان دهد و از این طریق، بار دیگر اعتبار این نویسندهٔ مشهور ایرانی و سیطرهٔ او را بر ادب فارسی معاصر، یادآور شود.

۲. پیشینه پژوهش

پیش از هر گونه جست‌وجو در رابطه با پیشینه پژوهش کنونی، ابتدا سه فرضیه مطرح شد:

الف. پژوهش (پژوهش‌هایی)، داستان کوتاه «آینه شکسته»، اثر صادق هدایت را مستقلاً بررسی کرده است.

ب. پژوهش (پژوهش‌هایی)، شعر «دریچه‌ها»، اثر مهدی اخوان ثالث را مستقلاً بررسی کرده است.

ج. پژوهش (پژوهش‌هایی)، داستان کوتاه آینه شکسته، از صادق هدایت و شعر دریچه‌ها، از مهدی اخوان ثالث را، به‌شکلی تطبیقی مورد بررسی قرار داده است.

با اتکا به این سه فرضیه، پیشینه این پژوهش، در سه سطح، مورد بررسی قرار گرفته و تنظیم شده است. در سطح نخست، پژوهش (پژوهش‌هایی) که ممکن است داستان کوتاه آینه شکسته، اثر صادق هدایت را، به‌شکلی مستقل، مورد پژوهش قرار داده باشد، مد نظر بوده است. در این رابطه، تنها یک پژوهش مشاهده شد:

۱. فاطمه چنانی و محمد پیری (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای همایشی، «روایت‌شناسی داستان کوتاه «آینه شکسته» بر اساس الگوی کنشی گریماس» را بررسی کرده‌اند. حاصل این پژوهش آن است که داستان آینه شکسته با وجود آن که به‌ظاهر ساده می‌نماید؛ اما دارنده الگوی روایی و ساختاری کاملی است و قابلیت بررسی، در قالب نظریه کنشی و معناشناسانه گریماس را دارد. در سطح دوم این پیشینه، پژوهش (پژوهش‌هایی) که شاید به تحلیل شعر دریچه‌ها، از مهدی اخوان ثالث، به‌صورتی انحصاری، اختصاص داشته باشد، مورد کاوش بوده است. در این رابطه نیز، تنها یک پژوهش یافت شد:

۱. احمد کنجوری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای نشریه‌ای، به تحلیل «عناصر ساختاری شعر «دریچه‌ها» سروده مهدی اخوان ثالث»، پرداخته است. از نتایج این پژوهش آن که شعر دریچه‌ها، از توازن در معنا، زبان و تصویر برخوردار است. در این اثر، وضوح و سادگی زبان و تصاویر، مرهون سادگی و صمیمیت معنایی است.

در سطح سوم پیشینه پژوهش کنونی، جست‌وجو در پژوهش (پژوهش‌هایی) که شاید داستان کوتاه آینه شکسته، از صادق هدایت و شعر دریچه‌ها، از مهدی اخوان ثالث را مقایسه کرده باشد، در دستور کار بوده است. اما در این زمینه هیچ پژوهشی یافت نشد. بنابراین موضوع مقاله کنونی، مبدعانه است.

۳. بحث و بررسی

«آینه شکسته»، روایتی عاشقانه؛ با پایانی تلخ است. در این داستان، «جمشید»، ساکن اتاقی در کوچه «سن ژاک» پاریس است. در همین کوچه، در اتاقی دیگر، دختری به نام «اودت»، زندگی می‌کند. پنجره اتاق جمشید، رو به پنجره اتاق اودت است و او از این مجرا می‌تواند، اودت و برخی رفتارها و حرکات دلبرانه او را که در طول شبانه‌روز، در اتاقش انجام می‌دهد، مشاهده کند. بدین طریق، جمشید وابسته و عاشق اودت می‌شود. پس از مدتی، جمشید، به صورت حضوری، اودت را می‌بیند و زمینه آشنایی این دو فراهم می‌شود. از آن پس، جمشید و اودت، ملاقات‌های حضوری متعددی با هم ترتیب می‌دهند، و به جاهای مختلفی، در شهر پاریس می‌روند. در یکی از این دیدارها، جمشید و اودت، شبانه به تماشای جشن جمعه‌بازار «نوییی» می‌روند. در راه بازگشت به خانه، جمشید از اودت دلخور می‌شود و با او بدرفتاری می‌کند. بعد از آن نیز، جمشید، به مدت سه هفته، نسبت به اودت بی‌اعتنا می‌شود. در این میان، مسافرتی برای جمشید پیش می‌آید و او عازم لندن می‌شود. جمشید، پیش از سفر، اودت را می‌بیند و ماجرای مسافرتش را به او اطلاع می‌دهد و به خاطر رفتار تندی که در آخرین ملاقاتشان، با او داشته است، عذرخواهی می‌کند. اقامت جمشید در لندن، یک سال به طول می‌انجامد. در این مدت، اودت، دو بار برای او نامه می‌نویسد. این نامه‌ها، سرشار از اظهارات اندوهگینانه اودت است که در نبود جمشید دچار بی‌قراری و نومیدی نسبت به زندگی شده است. او در نامه دوم، تصمیمی را که برای خودکشی گرفته است، با ذکر جزئیات، نیز بیان می‌کند. جمشید در جواب نامه‌های اودت، دو نامه می‌نویسد؛ اما نامه اول بی‌پاسخ می‌ماند و نامه دوم، نیز، به خود او برگشت می‌خورد. یک سال بعد، وقتی که جمشید به پاریس برمی‌گردد؛ بلافاصله برای دیدار اودت، راهی کوچه سن ژاک می‌شود؛ اما محل سکونت اودت را خالی از سکنه می‌یابد.

شعر «دریچه‌ها»ی مهدی اخوان ثالث، از مجموعه «آخرشاهنامه» (۱۳۳۸)، است و در دی ماه سال ۱۳۳۵ سروده شده است (نک: اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). این شعر، از نظر ساختاری، شعری کوتاه (پنج بیت)، در قالب مثنوی است. از نظر محتوایی نیز، دریچه‌ها، شعری غنایی با موضوع عشق و جدایی است، که در آن ماجرای عاشقانه و پایان ناراحت‌کننده آن را، در نهایت ایجاز و اختصار بیان می‌کند. در این شعر، راوی خودش و شخص دیگری را که هویت و جنسیت او مشخص نیست (نک: کنجوری، ۱۳۹۸: ۹۳)، همانند دو دریچه می‌داند که روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند، و از گفتارها و رفتارهای هم آگاهی کامل دارند. در ادامه، راوی از

صحبت‌ها و قرارهایی که به صورت روزانه و منظم، میان او و معشوق در جریان است، سخن به میان می‌آورد. و پس از آن به روایت اندوه و دلشکستگی خود، در اثر مسدود شدن یکی از دریچه‌ها، می‌پردازد. در ادامه شعر نیز، خواننده متوجه می‌شود که دلیل مسدود شدن دریچه، سفر بوده است؛ آن گونه که راوی سفر را نفرین می‌کند:

ما چون دو دریچه، روبه روی هم، آگاه ز هر بگومگوی هم
هر روز سلام و پرسش و خنده هر روز قرار روز آینه
عمر آینه بهشت، اما... آه بیش از شب و روز تیر و دی کوتاه
اکنون دل من شکسته و خسته است، زیرا یکی از دریچه‌ها بسته است
نه مهر فسون، نه ماه جادو کرد، نفرین به سفر، که هر چه کرد او کرد
(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

در ادامه این جستار، ابتدا، در سطحی کلی میان صادق هدایت و مهدی اخوان ثالث، مقایسه‌ای صورت می‌گیرد که بخشی از نتایج آن می‌تواند قابل تعمیم به دو اثر مورد بحث، در این جستار نیز، باشد. پس از آن، همانندی‌های موجود در داستان کوتاه آینه شکسته و شعر دریچه‌ها، کندوکاو می‌شود تا در نهایت تأثیرپذیری شعر دریچه‌های مهدی اخوان ثالث، از داستان کوتاه آینه شکسته صادق هدایت، به شکلی گویاتر تحلیل شود.

صادق هدایت و مهدی اخوان ثالث، هر دو از شخصیت‌های ممتاز ادبیات معاصر ایران هستند. این دو شخصیت را از چند نظر، می‌توان با یکدیگر مقایسه کرد. در آغاز، دوره زندگی این دو با یکدیگر سنجیده می‌شود تا وابستگی هر کدام از آن‌ها، به ادوار و نسل‌های ادبیات معاصر ایران مشخص شود. در ادبیات معاصر ایران، پایان قرن سیزدهم و آغاز قرن چهاردهم را نقطه عطفی در نظر گرفته‌اند. زیرا در این زمان آثاری که سرآغاز ادبیات نوین ایران، در شعر و داستان کوتاه است، انتشار یافت. در این رابطه، در شعر، نیما یوشیج (۱۲۷۴-۱۳۳۸)، منظومه «افسانه» (۱۳۰۱)، و در داستان کوتاه، سید محمدعلی جمال‌زاده، مجموعه داستان «یکی بود یکی نبود» (۱۳۰۰) را، منتشر ساختند (یا حقی، ۱۳۹۱: ۴۳). صادق هدایت که اندکی پس از این تاریخ، یعنی در سال ۱۳۰۹، نخستین مجموعه داستان خود را با عنوان «زنده به گور»، به چاپ رساند، و از آن پس به عنوان نویسنده‌ای مطرح، در عرصه داستان‌نویسی شناخته شد (نک: آرین‌پور، ۱۳۸۷: جلد ۳: ۳۹۶)، در شمار داستان‌نویسان نسل اول ادبیات معاصر ایران است. اما مهدی اخوان ثالث را باید از شاعران نسل دوم ادبیات معاصر ایران دانست، که با پیروی از نیما یوشیج در عرصه شعر نو، به یکی از سرآمدان این حوزه تبدیل شد (یا حقی، ۱۳۹۱: ۹۳). این مسئله، با

مقایسه دوره زندگی این دو نیز به روشنی قابل دریافت است. صادق هدایت که در سال ۱۲۸۱ متولد شد، در سال ۱۳۳۰ با خودکشی به حیات خود پایان داد (نک: همان: ۲۴۰). اما مهدی اخوان ثالث، در سال ۱۳۰۷ به دنیا آمد و اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «رغنون»، در سال ۱۳۳۰ منتشر ساخت (حقوقی، ۱۳۹۶: ۶۷). این بدان معناست که آغاز کار رسمی مهدی اخوان ثالث، در عرصه ادبیات، مقارن با پایان زندگی و فعالیت ادبی صادق هدایت، بوده است. این اختلاف زمانی و نسلی، نشان می‌دهد که دوره کودکی و نوجوانی مهدی اخوان ثالث، همزمان با دوره اوج فعالیت ادبی و شهرت صادق هدایت، سپری شده است. بنابراین به نظر می‌رسد، شاعری همانند مهدی اخوان ثالث، در دوره‌ای که پایه‌های ادبی او در حال شکل‌گیری بوده (دوره کودکی و نوجوانی)، با آثار و اندیشه‌های صادق هدایت آشنایی پیدا کرده و به او و شخصیتش علاقمند شده است. مرثیه‌ای فخیم و ارزشمند که این شاعر، در رثای صادق هدایت سروده و در مجموعه «ز/ین/اوستا» (۱۳۴۴)، به چاپ رسانده، گواهی متقن بر تعلق خاطر و دلبستگی عمیق مهدی اخوان ثالث به صادق هدایت است. در ذیل، بخشی از این سوگ سروده، که در سال ۱۳۴۰ سروده شده (نک: اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۲۰۸)، آورده شده است:

اگر چه حالیا دیربست کان بی کاروان کولی
از این دشت غبارآلود کوچیده‌ست،
و طرف دامن از این خاک دامن‌گیر برچیده‌ست؛
هنوز از خویش پرسم گاه؛
آه،

چه می‌دیده‌ست آن غمناک روی جاده نمناک؟
زنی گم کرده بویی آشنا، و آزار دلخواهی؟
سگی ناگاه دیگر بار
وزیده بر تنش گمگشته عهدی مهربان با او
چنان چون پار یا پیرار؟
سیه‌روزی خزیده در حصار سرخ؟
اسیری از عبث بیزار و سیر از عمر
به تلخی باخته داروندار زندگی را در قمار سرخ؟
و شاید هم درختی ریخته هر روز همچون سایه در زیرش
هزاران قطره خون بر خاک روی جاده نمناک؟...

(همان: ۲۰۶)

در این سروده، مهدی اخوان ثالث، به برخی از آثار صادق هدایت و محتوای آن‌ها، اشاراتی هنرمندانه داشته و به طرزی ظریف و زیبا، به مضمون‌سازی با آن‌ها پرداخته که دال بر آشنایی عمیق او با آثار صادق هدایت است. به عنوان مثال، در سطر هفتم، به عنوان داستان «زنی که مردش را گم کرد»، از مجموعه داستان «سایه روشن»، و بخشی از آن اشاره شده است. در این داستان، «زرین کلاه»، زنی است که از شلاق‌های شوهرش، «گل‌بو»، لذت می‌برد (نک: هدایت، ۲۵۳۶ الف: ۴۱)، و وقتی شوهرش، او و بچه‌اش را رها می‌کند، یکی از موارد دل‌تنگی زرین کلاه، اشتیاق فراوانی است که برای تجربه دوباره شلاق‌های شوهرش دارد (نک: همان: ۴۳ و ۴۸-۵۱). علاوه بر آن چه ذکر شد، میان اندیشه‌های صادق هدایت و مهدی اخوان ثالث، از دو جهت اشتراک قابل تأملی وجود دارد. اول، دلبستگی وافر است که این دو، نسبت به گذشته شکوهمند ایران، خاصه دوره باستان آن، دارند. در این رابطه، باید دانست که یکی از شاخصه‌های فکری صادق هدایت، علاقه شدید او به فرهنگ ایران باستان بوده است؛ به گونه‌ای که برای آشنایی با این حیطه، زبان پهلوی را در مدتی کوتاه فراگرفت و متون متعددی از این زبان، به فارسی امروزی ترجمه کرد (نک: آرین‌پور، ۱۳۸۷: جلد ۳: ۳۶۰-۳۶۳). در شعر مهدی اخوان ثالث نیز، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌ها، گرایش به اساطیر و ویژگی‌های زندگی ایرانی است (نک: عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۱: ۲۴۰). البته، این اشتراک فکری صادق هدایت و مهدی اخوان ثالث، در دو اثر مورد بررسی در این مقاله، نمود ندارد.

اشتراک فکری دوم، میان صادق هدایت و مهدی اخوان ثالث، یأس و نومیدی عمیقی است که در آثار این دو قابل ملاحظه است. شاخصه‌ای که هم در داستان آینه شکسته و هم در شعر دریچه‌ها، کاملاً مشهود است. در داستان آینه شکسته، اگر چه در آغاز، عشق، به زندگی شخصیت‌ها وارد می‌شود و جنبه‌ای امیدوارکننده دارد؛ اما در ادامه، منجر به یأس و افسردگی می‌شود (نک: میرعابدینی، ۱۳۹۶: جلد ۱: ۱۰۵). در نهایت نیز، شکست ناشی از این عشق، همراه با خودکشی اودت است. همان موضوعی که در آثار دیگری از صادق هدایت هم دیده می‌شود و البته خود در زندگی واقعی، با آن درگیر بوده است؛ تا جایی که دو بار به آن مبادرت ورزیده است و بار دوم منجر به مرگ او شده است (نک: آرین‌پور، ۱۳۸۷: جلد ۳: ۴۱۹ و ۴۲۱). در شعر دریچه‌ها نیز، مخاطب، در مدت زمانی کوتاه، از آغاز خوش روایت، به پایان اندوهبار آن رهنمون می‌شود. البته به نظر می‌رسد، یأس صادق هدایت، بیش‌تر صبغه فلسفی و ریشه در تأملات عمیق او در دو مقوله مرگ و زندگی داشته باشد. هر چند که حوادث و اوضاع سیاسی ایران نیز، در آن

بی تأثیر نبوده است (نک: یاحقی، ۱۳۹۱: ۲۳۹). اما نومیدی مهدی اخوان ثالث، محصول سرخوردگی شدید این شاعر، از کوتادی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سقوط دولت دکتر محمد مصدق (۱۳۴۵-۱۳۶۱) است که مهدی اخوان ثالث و بسیاری دیگر از روشنفکران، عملی شدن آرمان‌های سیاسی و اجتماعی خود را در گرو آن می‌دیدند (نک: شفیع کدکنی، ۱۳۸۷: ۶۱).

در شعر دریچه‌ها، مهدی اخوان ثالث، با هنرمندی تمام، داستان آینه شکسته را به صورتی موجز و فشرده، نقل کرده است. در این رابطه، در هر بیت، قرینه و نشانه‌ای یافت می‌شود که بر تشابه میان این دو اثر دلالت دارد و بر مبنای آن، ابیات شعر دریچه‌ها، قابل تطبیق با بخش‌هایی از داستان آینه شکسته است. البته، محدودیتی که شاعر در این شعر برای خود قائل بوده است، سبب شده، تا جزئیات داستان در آن طرح نشود و به‌طور کلی، مرحله باهم‌بودن دو شخصیت اصلی داستان، و پس از آن، مرحله جدایی و علت جدایی، در آن آورده شود. پیش از مقایسه ابیات شعر با قسمت‌های داستان، ذکر این نکته، ضروری می‌نماید که در هر دو اثر، زاویه دید روایت، درونی (اول شخص) است و این موضوع نیز خود از اشتراکات دو اثر شمرده می‌شود. در بیت اول شعر، راوی خود و معشوق را به دو دریچه مانند کرده است که روبه‌روی هم قرار دارند و از اقوال و احوال هم باخبر هستند:

ما چون دو دریچه، روبه‌روی هم، آگاه ز هر بگومگوی هم
(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

یکی از معانی دریچه، پنجره است (نک: انوری، ۱۳۹۰: جلد ۴: ۳۱۱۰). به نظر می‌رسد، منظور مهدی اخوان ثالث از دریچه، در این جا، همین معنی باشد. زیرا در داستان آینه شکسته، پنجره اتاق جمشید، روبه‌روی پنجره اتاق اودت است، به نحوی که بسیاری از حالات و حرکات هم را از این طریق می‌بینند و همین ارتباطات بصری، مقدمه شیفتگی آن‌ها به هم می‌شود:

پنجره اتاق من روبه‌روی پنجره اتاق اودت بود، چه قدر دقیقه‌ها، ساعت‌ها و شاید روزهای یکشنبه را من از پشت شیشه پنجره اتاقم به او نگاه می‌کردم. به خصوص شب‌ها وقتی که جوراب‌هایش را درمی‌آورد و در رخت‌خوابش می‌رفت!... به این ترتیب رابطه مرموزی میان من و او تولید شد. اگر یک روز او را نمی‌دیدم، مثل این بود که چیزی گم کرده باشم. گاهی روزها از بس که به او نگاه می‌کردم، بلند می‌شد و لنگه در پنجره‌اش را می‌بست (هدایت، ۲۵۳۶ ب: ۵۵-۵۶).

بیت دوم شعر دریچه‌ها، در رابطه با گفت‌وگوها و قرارهای عاشقانه روزانه، میان عاشق و معشوق آمده است:

هر روز سلام و پرسش و خنده هر روز قرار روز آینه
(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

این بیت نیز، با بخشی از داستان کوتاه آئینه شکسته، در تناسب است. پس از اولین دیدار حضوری میان جمشید و اودت، که منجر به آشنایی آن‌ها با هم می‌شود، رابطه آن دو، از سطح ارتباطات بصری، فراتر می‌رود. جمشید و اودت، از این به بعد، از پشت پنجره اتاق‌هایشان، حرف‌های خود را با ایما و اشاره، به یکدیگر می‌فهمانند و این نوع ارتباطشان، همواره به قرار با هم ختم می‌شود:

از آن روز به بعد پنجره اتاقمان را که باز می‌کردیم، از دور با حرکت دست و به علم اشاره با هم حرف می‌زدیم. ولی همیشه منجر می‌شد به این که برویم پایین در باغ لوگزامبورگ با هم ملاقات بکنیم و بعد به سینما یا تئاتر و یا کافه برویم، یا به‌طور دیگر چند ساعت وقت را بگذاریم (هدایت، ۲۵۳۶ ب: ۵۶).

بیت سوم شعر دریچه‌ها، لحنی حسرت‌آمیز دارد. در این بیت، راوی ابتدا عمر را آینه بهشت دانسته است؛ اما در ادامه، با اظهار افسوس، از کوتاهی آن گلایه کرده است:

عمر آینه بهشت، اما... آه
بیش از شب و روز تیر و دی کوتاه
(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

به نظر می‌رسد که منظور مهدی اخوان ثالث از عمر، در این جا، عمر عاشقانه یا دوران عاشقی باشد که زیبا و امیدبخش؛ اما کوتاه است. اگر این‌گونه تصور کنیم، این بیت نیز، در داستان کوتاه آئینه شکسته، مصداق دارد. در این داستان، رابطه‌ای عاشقانه که نوعی امید و تغییر مثبت، در روند زندگی جمشید و اودت ایجاد می‌کند، عمر چندانی ندارد و در مجموع، دو ماه دوام می‌یابد. پس از آن با بی‌اعتنایی جمشید به اودت و سپس مسافرت او به لندن، این رابطه برای همیشه از بین می‌رود (نک: هدایت، ۲۵۳۶ ب: ۵۵-۶۱).

در بیت چهارم، دلشکستگی یکی از دو طرف رابطه بیان شده است؛ زیرا طرف دیگری وجود ندارد و او تنها مانده است.

اکنون دل من شکسته و خسته‌ست،
زیرا یکی از دریچه‌ها بسته‌ست
(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

این بیت را می‌توان، با بخش پایانی داستان تطبیق داد. جایی که جمشید، پس از یک سال، از سفر لندن برمی‌گردد و با پنجره بسته اتاق اودت روبه‌رو می‌شود:

سال بعد که به پاریس برگشتم با شتاب هر چه تمام‌تر به کوچه سن ژاک رفتم، همان‌جا که منزل قدیمیم بود. از اتاق من یک محصل چینی والس گریزی را به سوت می‌زد. ولی پنجره اتاق اودت بسته بود و به در خانه‌اش ورقه‌ای آویزان کرده بودند که روی آن نوشته بود، «اتاق اجاره‌ای» (هدایت، ۲۵۳۶ ب: ۶۱).

در بیت پایانی شعر دریچه‌ها آمده است:

نه مهر فسون، نه ماه جادو کرد،
نفرین به سـفر، که هر چه کرد او کرد
(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

در این بیت، راوی، بدون آن که بخواهد پایان تلخ ماجرای عاشقانه خود را به عواملی ماوراءالطبیعی نسبت دهد، به صراحت، آن را در اثر سفر می‌داند. قراین این بیت نیز در داستان آینه شکسته کاملاً مشهود است. در مصراع اول، راوی با نفی تأثیر عوامل ماوراءالطبیعی، به نوعی رویکردی منطقی و ضدخرافی در پیش می‌گیرد. در داستان آینه شکسته هم، وقتی آینه اودت شکسته می‌شود، او این اتفاق را زمینه بدبختی خود در آینده می‌داند؛ اما جمشید که راوی داستان است، این اندیشه او را خرافی قلمداد می‌داند:

اودت با خونسردی کیف منجق دوزی خود را باز کرد و آینه کوچکی که از میان شکسته بود به دستم داد و گفت:

«آن شب که کیفم را از پنجره پرت کردی این‌طور شد. میدانی این بدبختی می‌آورد».

من در جواب خندیدم و او را خرافات پرست خواندم (هدایت، ۲۵۳۶ ب: ۵۸).

در مصراع دوم، راوی، تنها عاملی که رابطه عاشقانه میان او و معشوق را مختوم به تلخی کرده است، سفر می‌داند و از این رو آن را نفرین می‌کند. در داستان آینه شکسته هم، اگر چه پیش از سفر جمشید به لندن، رابطه او با اودت به سردی گراییده است؛ اما آن چه که میان این دو، به صورت جدی فاصله ایجاد می‌کند، مسافرت جمشید به لندن است. عاملی که سبب تنهایی اودت و افسردگی او و در ادامه، خودکشی‌اش می‌شود (نک: همان: ۵۹-۶۱).

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی تأثیرپذیری شعر «دریچه‌ها»ی مهدی اخوان ثالث، از داستان کوتاه «آینه شکسته» صادق هدایت، اختصاص داشت. در آن، ابتداء، دو شخصیت فاخر ادبیات معاصر ایران، صادق هدایت و مهدی اخوان ثالث، از چند نظر، با هم مقایسه شد، که مطابق آن به نظر می‌رسد مهدی اخوان ثالث، از آثار و اندیشه‌های صادق هدایت، در حد قابل ملاحظه‌ای مطلع بوده و این نویسنده در اندیشه او جایگاهی ویژه داشته است. این موضوع می‌تواند مؤید تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث از آثار صادق هدایت، در خلق اشعار خود، به ویژه الهام‌گیری از داستان کوتاه آینه شکسته، به هنگام سرایش شعر دریچه‌ها باشد. تطبیق دو اثر مذکور با هم نیز، نشان می‌دهد که شعر دریچه‌ها، با تأثیرپذیری و برداشت از داستان آینه شکسته سروده شده است. این مدعا، بر

مبنای مشابهت‌های متعددی که میان این دو اثر دیده می‌شود، قابل اثبات است. در این زمینه، هر بیت از مثنوی دریچه‌ها را باید گزیده‌ای از یک قسمت، از داستان آئینه شکسته، در نظر گرفت.

کتابنامه

۱. آراین‌پور، یحیی (۱۳۸۷)، *از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)*، ج ۳، تهران: زوار.
۲. انوری، حسن (۱۳۹۰)، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۴، تهران: سخن.
۳. حقوقی، محمد (۱۳۹۶)، *شعر زمان ما ۲ (اخوان ثالث)*، تهران: نگاه.
۴. رحیمیان، هرمز (۱۳۹۳)، *ادبیات معاصر نثر، ادوار نثر فارسی: از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، تهران: سمت.
۵. شریفی، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ ادبیات فارسی*، ج ۲، تهران: فرهنگ نشر نو/ معین.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، تهران: سخن.
۷. صبور، داریوش (۱۳۸۷)، *فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن*، با نظارت حسن انوری، تهران: سخن.
۸. عالی عباس‌آباد، یوسف (۱۳۹۱)، *جریان‌شناسی شعر معاصر*، تهران: سخن.
۹. کنجوری، احمد (۱۳۹۸)، «عناصر ساختاری شعر «دریچه‌ها» سروده مهدی اخوان ثالث»، *شفای دل*، س ۲، ش ۳، ۸۷-۱۰۱.
۱۰. میرعابدینی، حسن (۱۳۹۲)، *تاریخ ادبیات داستانی ایران*، تهران: سخن.
۱۱. میرعابدینی، حسن (۱۳۹۶)، *صد سال داستان‌نویسی ایران*، ج ۱، تهران: چشمه.
۱۲. هدایت، صادق (۲۵۳۶ الف)، *سایه روشن*، تهران: جاویدان.
۱۳. هدایت، صادق (۲۵۳۶ ب)، *سه قطره خون*، تهران: جاویدان.
۱۴. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، *جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر فارسی نظم و نثر)*، تهران: جامی.

References

1. Aii-e Abbss-Abdd, Yousff (2012), *An Analysis of Contemporary Poetry Movements*, Thhrnno ockhnn.

2. nn vrr,, aaaa n (2011), *Comprehensive Dictionary of Sokhan*, Vo.. 4, Thhrnno odkhnn.
- .. Araanpour, Yhhya (2008), *From Nima to Our Time (A History of Contemporary Persian Literature)*, Vo.. 3, ThhrnnZ Zvvrr.
4. ddd yy,, dddggh (1977), *Shadow and Light*, ThhrnnJ Javidnn.
5. ddd yy,, dddggh (1977 b), *Three Drops of Blood*, Thhrnn: Jvvidnn.
- .. oo ghogh,, oo hammdd (2017), *The Poetry of Our Time 2 (Akhavan-Sales)*, Thhrnn: ggg ah.
7. oo njur,, hh mdd (2019), “rrr utt urll Eeemnss in the Pomm “rrr cdhha” by ee hdi kk hvvan-eeees”, *Shefaye Del*, Vo.. 2, No. 3, pp. 77- 101.
8. rrr bddnn, nnnnn (2013), *The History of Persian Fiction Literature*, Thhrnno odkhan.
9. rrr bbednn, nnnnn (2017), *One Hundred Years of Iranian Fiction Writing*, Vo.. 1, Thhran: Cheshmeh.
10. Rhhimnnn oo rmoz (2014), *Contemporary Prose Literature, Periods of Persian Prose: From the Constitutional Era to the Islamic Revolution*, ThhrnnS SATT .
11. bbboor, rrr uush (2008), *Dictionary of Contemporary Poets and Writers of Sokhan*, Suprr visdd by aaaa n nn vrr,, Thhrnno odkhnn.
12. Shafi'i-Kadkani, Mohammadreza (2008), *Periods of Persian Poetry: From the Constitutional Era to the Fall of the Monarchy*, Thhrnno odkhnn.
13. hhrrff,, oo hammdd (2008), *Dictionary of Persian Literature*, Vo.. 2, Thhrnn: rrr hnng hhhhr oo wooo ii n.
14. Yhhggh,, oo hammddjffar (2012), *The Stream of Moments (Persian Contemporary Literature in Prose and Poetry)*, ThhrnnJ Jmm.

Research article
Received: 03/09/2025
Accepted: 03/18/2025
pp. 59- 73



*Contemporary Iranian
literature studies*
Vol. 1, No. 3, Autumn 2024

The Influence of the Poem “Windows” by Mehdi Akhavan Sales on the Short Story “The Broken Mirror” by Sadegh Hedayat

Farhad Tahmasebi¹

Abstract

The influence of Persian literary works on one another is a well-known and ongoing ssue with numerous examples in various periods of Persian literature, including the contemporary era. dddggh dddaytt (1903-1951), an nmovttve wrtrrr and one of the mii n foundrrs of ooneemporryy Iranan foocoo, hss srrvdd as a prominnt modll for ohrrr Irnnnnnwrrrrs from hss iime oohle prnnnt dy due oohss numrrous oussandng nnd rraavve works. oo wvrr, tt pppaars hltt oonmmpporryy Prsnnnpporryy has oooobeen nrlunneed by hss wrtrrr. In hhs drrrr ppvve-anll ylllll study, the nrlunnee of ee hdi kk hvvan sssss s8888-0000), a rnnowned ooneemporryy po,,, on dddggh dddaytt's short soory "The Broknn rrr ror" hss been xxamndd bdddd on bbbrry douumenss and roocurees. The resaarhh findngs suggest hltt ee hdi kk havan eees wss queefamrrrr with dddggh Hddytt's works and worddveew. Thrr ffor,, tt ss not unraasonabee oosuggtt thtt ee hdA Akhvvan eees's poem "Wnrldoss" was nrlunneed by dddggh Hddytt's short soory "The Broknn rrr ror". uurhlrr mor,, hle numrrous simrrrrtss btt ween hle poem "Wnrldoss" nnd the short soory "The Broknn rrr ror" provdde aaar vddhnee of ee hdi kk havan eees's infuu nce from dddggh dddaytt in thss prruuurr nrsnnne.

Key words

dddggh ddday,,, ee hdi Akhavnn aa,,, ,hort soory "The Broknn rrr ror", pomm"Wnrldoss ", hle nrlunnee of rrrrry works on one nnohrr.

1. M.A. of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Islamic Azad University, Hamedan Branch, Hamedan, Iran.
Email: Thmasbyfrhad455@gmail.com